

تدریس تاریخ در مدارس

ترجمه و تلخیص از مجله « تعلیمات عمومی فرانسه »

اگر تعلیم تاریخ در مدارس و مخصوصاً در مدارس ابتدائی مشکل تر از تمام مواد تدریسیه نباشد بلاشک بواسطه عدم حصول نتایج مطلوبه یأس را در معلمین ایجاد نموده تا آنجا که حذف آن از پرگرام و غیر قابل تعلیم بودنش نیز مورد مذاکره واقع گردیده است بطور قطع میتوان گفت طریقه تدریس تاریخ باعث ایجاد این وضع و مانع از ترقی شاگردان گشته است. در صورتیکه در پیشرفت تعلیم سایر مواد تدریسیه قدمهای شایان تقدیری بر داشته شده طرز فعلی تعلیم تاریخ بحال چهل سال قبل باقی مانده و بهیچوجه با روحیات اطفال و مقتضیات وقت و مکان مطابقت نمینماید. در نتیجه تجربیات عدیده ما معتقدیم که تدریس تاریخ باطفال ده دوازده ساله کار مشکلی نیست برای نیل باین مقصود شرایطی را که بعقیده ما باید در تعلیم تاریخ منظور نمود ذیلا شرح میدهیم:

۱ - تشخیص وقایع مهمه از غیر مهمه

غالباً میگویند باید معلم وقایع عمده و اساسی را که در تشکیل ممالک و تکامل آن مؤثر بوده در نظر گرفته و بشاگردان تعلیم نماید ولی این عقیده حل مشکل را نمینماید چه تشخیص حوادث و تفکیک وقایع مهمه از غیر مهمه اشکال زیاد دارد زیرا علائم معینی برای تعیین آنها در دست نمیباشد. اکثر اوقات معلمین تاریخ متکی بکتاب مختلفه گشته و رفع مسئولیت از خود مینمایند در صورتیکه بدون نظر تحقیر نسبت

بکتاب تاریخ ناگرای از ذکر این مطلب میباشیم که اکثر از مصنفین در انتخاب مطالب موفقیت کامل حاصل ننموده و بمقصود نرسیده اند چه غالباً مطالبی را در کتاب کوچکی جمع آوری نموده اند که چندین صفحه برای شرح و تفهیم آنها لازم میباشد. بالاخره باید اذعان نمود که در این زمینه ما خود را بر خلاف عقل سلیم مجبور باطاعت از عادات و قواعد قدیمه دانسته و از تعقیب طرزی که در قدیم الایام معمول بوده و عبارت است از آموختن بعضی وقایع و برخی اسامی و پاره ایام تاریخی خودداری نمینمائیم و متمذّر باین عذر میشویم که تاکنون این طور عمل شده و چنانچه غیر از این باشد عدم موفقیت شاگردان در روز امتحان قطعی خواهد بود بعقیده ما در انتخاب مطالبی که باید تدریس شود باید بدقت تجدید نظر بعمل آمده پس اطفال و مقتضیات وقت و محیط توجه کامل نمود

۲ - طرز بیان مطلب

هر گاه معلم قدری در فن خود ماهر باشد میتواند قسمتهای مهم تاریخ و مخصوصاً تاریخ ملی را بطوری بیان نماید که احساسات شاگردان را بهیجان آورده و توجه آنها را کاملاً بطرف خود معطوف سازد باید معلم بتواند ادوار و اشخاص تاریخی را بنحوی تشریح و توصیف کند که اطفال بتوانند با سهولت آنها را از یکدیگر تمیز داده و بحقیقت امور نزدیک شوند نباید معلم فقط بذكر يك سلسله وقایع یا اسامی اکتفا بکند بلکه موظف است مطالب را طوری بدقت بیان نماید که درك وقایع برای اطفال آسان شود و بجای اینکه تنها اسامی اشخاص

را ذکر کند باید بقسمی آنها را توصیف نماید که تصویرشان در ذهن شاگردان مجسم گردد .

۳ - انتخاب کلمات و عبارات

باید در مقابل اطفال با کلمات و عبارات ساده صحبت نمود و هر جمله را قبلاً سنجیده و حتی الامکان واضح تر بیان کرد و از استعمال کلمات مشکل و غیر محسوس از قبیل « موازنه اروپا » و غیره احتراز جوئیم و لغات سیاسی را که ارتباط کمی بتاریخ دارد کمتر بکار برده یا اینکه آنها را بدون توضیحات لازمه استعمال ننمائیم . اطفال حتی شاگردانی که بعد رشد رسیده اند معانی حقیقی کلماتی را که در ظاهر ساده و متداول است مثل « قانون اساسی » « حزب » « آراء عمومی » و غیره نمیتوانند درک نمایند . ممکن است معلم پی باینمسئله برده و برای فهم شاگردان این قبیل اصطلاحات را تعریف و توضیح دهد ولی البته باید این توضیح ساده و محسوس باشد و الا مشکل دوتا می شود اما چون باید شاگردان بعضی از اصطلاحات را بدانند و معلم ناگزیر از ذکر آنها است لازم است این قبیل عبارات و کلمات را در موقعی استعمال نماید که توضیحات لازمه را قبلاً داده و مطمئن باشد که شاگردان معنای آن را درک خواهند نمود . مثلاً اگر معلم بخواهد کلمه حزب را در کلاس ادا نماید باید قبلاً بشاگردان بگوید که در چه مسائلی ممکن است افراد يك مملکت عقاید مختلف داشته باشند ولی حتماً هر عقیده و مسلک و مرامی طرفدارانی دارد که دور هم گرد آمده و مرام خود را تعقیب دارند و بانها کلمه حزب اطلاق میشود

آنچه در خصوص تشخیص وقایع و طرز بیان و انتخاب کلمات و عبارات در فوق گفته شد با آنچه که برحسب متابعت از قواعد و عاداتی که یادگار ایام گذشته است فعلا معمول می باشد مخالفت و مغایرت دارد لذا اگر معلم بخواهد مطابق عقیده ما رفتار نماید باید به علاوه معلومات مهارت بالنسبه کاملی در فن تدریس داشته باشد .

حبیب الله مظفری

کلمات معلمین بزرگ

از تحصیل آنچه بر انسان لازم است عقل نیرو میگیرد و از آموختن آنچه بیهوده و بی معنی است ناتوان میشود چنانکه تن از هوای سالم و غذای تازه قوت می پذیرد و از هوا و غذای فاسد ضعیف میگردد
جان روسکین

در ندانستن عیبی و شرمی نیست زیرا که همه چیز را نتوان دانست
اما ادعای دانستن ندانسته ها هم مضر است و هم شرم آور .

کیفیت دانش مطلوب است نه کمیت آن شخص ممکن است بر بسیاری از چیزها آگاهی بیابد ولی از دانستن آنچه لازم است عاجز باشد .